ASPI | Afarand Scholarly Publishing Institute; Turkey
ISSN: 2538-4384; Geographical Researches. 2024;39(4):409-418. 10.58209/geores.39.4.409

Modeling the Approach of the Right to the City in Urban Space, Yazd City

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Authors
Amerian B.[1] *MA*
Hafez Rezazadeh M.*[1] *PhD*
Miri Gh.[1] *PhD*

How to cite this article
Amerian B, Hafez Rezazadeh M, Miri Gh. Modeling the Approach of the Right to the City in Urban Space, Yazd City. Geographical Researches. 2024;39(4):409-418.

[1]Department of Geography and Urban Planning, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

***Correspondence**
Address: Islamic Azad University, Zahedan Branch Complex, University Street, Zahedan, Iran. Postal Code: 9816743545
Phone: +98 (54) 33443600
Fax: -
rezazadeh2008@gmail.com

Article History
Received: November 8, 2024
Accepted: December 9, 2024
ePublished: December 12, 2024

ABSTRACT

Aims In recent years, urban challenges have emerged alongside increasing civic demands, prompting discussions around the concept of "the right to the city." Contemporary social and political transformations, including capitalist dominance and the rise of urban social movements, have led to evolving interpretations of this right. Therefore, the present study seeks to conceptualize and model the approach to the right to the city within the urban context, focusing on Yazd city as a case study.

Methodology This research employed a descriptive-analytical method and was categorized as applied research. Data collection involved both documentary review and fieldwork approaches. The statistical population comprised 515,659 citizens of Yazd, with a sample size of 325 determined using Cochran's formula. Data analysis was conducted using SPSS 26 software, the t-test, structural modeling, and AMOS 26 software.

Findings The t-test results indicated that the examined components of the right to the city (namely control and ownership, urban vitality, and citizen participation) were in a suboptimal state, falling below the standard level. Pearson's correlation test revealed a positive and significant relationship among all dimensions of the study parameters. Moreover, structural model analysis identified the citizen participation index as the most influential factor in advancing the right to the city approach compared to other components.

Conclusion The core components of the right to the city (control and ownership, urban vitality, and citizen participation) are in a generally unfavorable condition.

Keywords Modeling; Right to the City; Space; Yazd City

CITATION LINKS

[Arami, 2011] Typology of urban space and related rights from ...; [Brenner *et al.*, 2012] Cities for people not for profit: Critical urban theory and ...; [De Koe, 2013] Urban vitality through a mix of land-uses and ...; [Faraji *et al.*, 2023] "Justice" as the ultimate cause; To describe the normative dimension of ...; [Farhadi *et al.*, 2023] Children's right to the city (comparison in ...; [Gholami *et al.*, 2024] An investigation into desirable urban spaces and its role on realization of the theory ...; [Gholipour *et al.*, 2019] The rights of the elderly to the city ...; [Habibi & Amiri, 2016] Right to the city from current to ideal ...; [Habibnezhad & Khosravi, 2022] The right to the city and the possibility of its ...; [Harvey, 2008] The right to the ...; [Hosseini *et al.*, 2022] Comparative analysis of urban vitality in old and ...; [Javaheripour, 2015] Urban slums and right to the city a case study of Khak-e Sefid ...; [Kazemi & Tofangchi Mahyari, 2017] Globalization and its impact on the right to ...; [Lefebvre, 1968] The right to the ...; [Lefebvre, 1976] The survival of capitalism: Reproduction of the ...; [Lefebvre, 1991] The production of ...; [Kameri-Mbote *et al.*, 2021] Country report ...; [Li *et al.*, 2020] Analysis of citizens' motivation and participation ...; [Liu *et al.*, 2020] A new urban vitality analysis and evaluation framework based on ...; [Lopez Cifuentes & Sonnino, 2024] Food democracy and the right to the city: Re-assembling urban food ...; [Marsousi *et al.*, 2023] Study and analysis of the components of a just city and its relationship with the right to the city in ...; [Marcuse, 2009] Postscript: Beyond the just city to the ...; [Meriläinen *et al.*, 2020] Refocusing urban disaster governance on marginalised urban people through ...; [Mouratidis & Poortinga , 2020] Built environment, urban vitality and social ...; [Mullick & Patnaik, 2022] Pandemic management, citizens and the Indian smart cities: Reflections ...; [Purcell, 2002] Excavating lefebvre: The right to the ...; [Rahimi, 2022] Lefebvre or derrida: Deconstructive questioning ...; [Rashdi *et al.*, 2024] Investigating the legal status of the right ...; [Safari, 2024] The mechanism of the market and ...; [Salami & Mazhari, 2022] The right to health of disabled people ...; [Samadi *et al.*, 2023] Rethinking the concept of "the right to the ...; [Sugranyes & Mathivet, 2010] Cities for all ...; [Soja, 2023] Seeking spatial ...; [Sultan Maleki *et al.*, 2024] Spatial analysis of the realization ...; [Tamjidi *et al.*, 2022] Analysis of the components of improving the ...; [Wang *et al.*, 2022] Right to the city and community facility planning ...;

Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری در شهر یزد

بهروز عامریان MA
گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
معصومه حافظ رضازاده* PhD
گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
غلامرضا میری PhD
گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده
اهداف: در سال‌های اخیر بحران‌های شهری با مطالبات شهروندی رخ می‌دهند و از «حق به شهر» سخن می‌رود. به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است. لذا هدف پژوهش حاضر مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری در شهر یزد بود.
روش‌شناسی: این پژوهش توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۳ در شهر یزد به انجام رسید. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به دو شیوه اسنادی و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری، شهروندان شهر یزد به تعداد ۵۱۵۶۵۹ نفر بود و تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۲۵ نمونه برآورد شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۲۶ و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار آموس ۲۶ استفاده شد.
یافته‌ها: نتایج آزمون تی نشان داد که وضعیت مولفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوب و پایین‌تر از سطح نرمال قرار داشتند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بیانگر این بود که بین تمام ابعاد پژوهش رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نهایت نتایج مدل ساختاری بیانگر این بود که شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتر نسبت به سایر مولفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر بود
نتیجه‌گیری: مولفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوب قرار دارد.

کلیدواژگان: مدل‌سازی، حق به شهر، فضا، شهر یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹
*نویسنده مسئول: rezazadeh2008@gmail.com

مقدمه
محیط شهری به عنوان فضای زندگی روزمره شهروندان در وهله اول باید بتواند آسایش و رفاه تمام اقشار جامعه را فراهم نماید [Salami & Mazhari, 2022]. چگونگی توزیع عادلانه فضای شهر به گونه‌ای که علاوه بر محفوظ قراردادن حقوق مالکان خصوصی، حقوق مردم شهر را نیز مورد احترام قرار دهد، یکی از اساسی‌ترین مسایل در حوزه حقوق شهری است [Arami, 2021]. امروزه، به واسطه ریشه‌دواندن سیاست‌های نولیبرالی در شهرها، قریب به اتفاق شهرها با مکانیزم‌های نظام سرمایه‌داری آمیخته شده‌اند و موجب شده است تا فضاهای شهری به صورت تنگاتنگ تحت تاثیر نیروهای سیاسی و اقتصادی بازتولید شوند که محملی برای تسهیل روابط سرمایه‌داری باشد. لذا، تولید فضا پدیده‌ای است در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش، سود به عنوان مولفه‌های اصلی سرمایه‌داری. از طرفی برای اعمال موارد مذکور در فضای شهر، نیاز به قدرت و هژمونی است که قدرت نیز جریان تولید فضا را به نفع سرمایه و سرمایه‌دار، طبقات مرفه جامعه شکل می‌دهد [Safari, 2024]. امکان استفاده برابر از بهره‌ها و ظرفیت‌های شهر برای همه ساکنان آن موضوعی است که به مطالبه‌ای مهم تبدیل شده و علت اصلی آن نیز مشکلات و معضلات انسانی و محیطی بی‌شماری است که برای شهرها به وجود آمده است. یکی از الزامات برای حل این معضلات به رسمیت‌شناختن شهروندی محلی و حق به شهر است [Habibnezhad & Khosravi, 2022]. یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی انسان، نیاز به عدالت در فضای شهری است. نظریه حق به شهر به عنوان یکی از اساسی‌ترین نظریات اجتماعی عدالت‌محور در سده بیستم است که محور پایه‌ای آن، انسان و نیازهای اجتماعی او است [Gholami *et al.*, 2024]. *لوفور* حق شهری را حق به زندگی شهری می‌داند که امروزه اسیر دولت و سرمایه شده است [Lefebvre, 1968]. *لوفور* معتقد بود فضاهای شهری پیش از دوران صنعتی‌شدن، بسیار مطلوب‌تر از فضاهای شهری حال حاضر است [Lefebvre, 1968]؛ چرا که ارزش استفاده بر ارزش مبادله در دوران پیش از صنعتی‌شدن برتری داشته است [Kazemi & Tofangchi Mahyari, 2017]. حق به شهر ابزار مفهومی مناسبی را برای نقد وضع موجود شهرها فراهم می‌آورد [Habibi & Amiri, 2016]. در رویکردهای نئولیبرال در فضای شهری، اعتقاد عمومی بر این است که راه حلی به جز بازار آزاد وجود ندارد و بازار تعیین‌کننده سهم طبقات اجتماعی است، ولی نظریه‌پردازان حامی رویکرد حق به شهر معتقدند که راه حل دیگری در برابر سرمایه‌داری به عنوان حق به شهر وجود دارد [Sugranyes & Mathivet, 2010].

در خصوص موضوع پژوهش (حق به شهر)، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. یافته‌های پژوهش *لوپز سیفوئنتس* و *سونینو* [Lopez Cifuentes & Sonnino, 2024]، پیچیدگی شیوه‌های مونتاژ را برجسته می‌کند که در حال شکل‌دادن به نسخه‌ای جزیی و ظریف از دموکراسی شهری هستند، کنترل را از ساختارهای سرمایه‌داری دور می‌کنند. *غلامی* و همکاران [Gholami *et al.*, 2024] دریافته‌اند که بین شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری و میزان تحقق حق به شهر در شهر اهواز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در بین شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری، شاخص آسایش و راحتی بیشترین ضریب تاثیر را در میان سایر شاخص‌ها داشته و در بین شاخص‌های حق به شهر، شاخص سهم فیزیکی شاخص کنترل و مالکیت بیشترین ضریب تاثیر را دارند. *رشیدی* و همکاران [Rashdi *et al.*, 2024] نتیجه گرفته‌اند که در مجموع و در میان کلیه منابع مورد بررسی، بیشترین درصد فراوانی و تاکید موضوعی، بر محورهای نقد رویکرد (۳۱٪)، نقد فرآیند (۲۷٪)، تحقق‌پذیری (۱۴٪)

و نقد ابزارها و روش‌های طرح‌های توسعه شهری (۱۰٪) پی‌ریزی شده که نشان‌دهنده تاکید اصلی اساتید و حرفه‌مندان این رشته بر این حوزه‌ها است. *مرسوسی* و همکاران [Marsousi *et al.*, 2023] معتقدند که اختلاف معنادار منفی بین میانگین مولفه‌های شهر عادل و حق به شهر و مقدار متوسط وجود دارد و این مولفه‌ها از وضعیت مطلوبی در کلانشهر تهران برخوردار نیستند. *صمدی* و همکاران [Samadi *et al.*, 2023] دریافته‌اند که زیرشاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و دموکراسی به‌ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. *تمجیدی* و همکاران [Tamjidi *et al.*, 2022] نیز بیان داشته‌اند که میانگین ابعاد شروع زندگی، حفاظت در برابر خطر، استاندارد زندگی، کالبدی و فرهنگی در منطقه ۱۲ پایین‌تر از حد متوسط هستند. بنابراین، این منطقه در وضعیت مناسبی قرار ندارد. یافته‌های *مالیک* و *پاتنیک* [Mullick & Patnaik, 2022] نشان می‌دهد که «شهروندان چتور» با انتقال دسترسی رسمی خود به فنّاوری اطلاعات و ارتباطات، به دسترسی موثر به عنوان یک راه حل عمل می‌کنند و جوامع حاشیه را قادر می‌سازند تا شکاف را پر کنند. *جواهری‌پور* [Javaheripour, 2015] نتیجه می‌گیرد که ساخت‌یابی محله‌ها ناشی از کیفیت نازل واحدهای مسکونی از یک سو و کمبود یا نامطلوب‌بودن سطح خدمات شهری موجود است و از سوی دیگر، وضعیت مبهم حقوقی مالکیت زمین و واحدهای مسکونی که گاهی متاثر از تصرف عدوانی است و مانع از سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی در این محله‌ها و در نتیجه بهسازی کالبدی ساختمان‌ها نیز با مشکل مواجه می‌شود.

جمع‌بندی مطالعات نشان داد که مطالعات یاد شده اکثراً در سطح کلان و در ارتباط با وضع موجود بوده است. در این راستا، در حوزه محدوده مورد مطالعه نیز پژوهشی صورت نگرفته است.

در سال‌های اخیر همزمان با از دست‌رفتن کارآیی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران‌های شهری با مطالبات شهروندی رخ می‌دهند و از «حق به شهر» سخن می‌رود [Sultan Maleki *et al.*, 2024]. حق به شهر عنوان کتابی از *هنری لوفور* نظریه‌پرداز شهری است که در پی بحران‌های شهری سال ۱۹۶۸ فرانسه به دنبال طرح مطالبه اجتماعی در برابر نابرابری‌های شهری نوشته شده است. حق به شهر شامل دو حق اساسی برای ساکنان شهری است؛ حق مشارکت و حق تخصیص و تملک [Lefebvre, 1968]. در حق مشارکت شهروندان باید در هر تصمیمی که به تولید فضای شهری می‌انجامد، نقش محوری داشته باشند. تعلق‌یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضای مناسب برای خود ممکن می‌شود. از حق به شهر تعریف دقیقی ارایه نشده اما در ماده اول منشور اروپایی حفاظت حقوق بشر در شهر تعریف کلی این مفهوم چنین ارایه شده است: شهر فضای جمعی است که متعلق به همه کسانی است که در آن زندگی می‌کنند، ساکنانی که حق دارند تا آنجا امور سیاسی، اجتماعی و اکولوژیکی خود را محقق سازند و همزمان دارای تکالیف نسبت به همدیگر نیز هستند. از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه‌ای از مجموعه ویژگی‌های متناقضی هستند. این شهرها در مقایسه با دیگر مناطق یک کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده‌اند. در عین حال، انواع فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پرورانند [Hosseini *et al.*, 2022]. امروزه، مفهوم حق به شهر توجه روزافزونی را در حوزه برنامه‌ریزی شهری به خود جلب کرده است [Wang *et al.*, 2022]. نظریه‌پردازان متعددی از سطح جهان در این حوزه اظهار نظر کرده‌اند که می‌توان به *هربرت مارکوزه*، *مارک پورسل* و *دیوید هاروی* اشاره نمود [Marcuse, 2009; Harvey, 2008; Purcell, 2002]. پس هدف نهایی از نظریه شهری انتقادی نیز به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است [Brenner *et al.*, 2012]. همچنین، منشور جهانی حق به شهر (WCRC) با تاثیر از اندیشه‌های لوفور و به دنبال برگزاری گردهمایی اجتماعی آمریکا در شهر کیوتو و گردهمایی جهانی شهری در شهر بارسلونا در سال ۲۰۰۴ منتشر شد [Rahimi, 2022]. منظور از حق، آن دسته حقوقی نیست که به «مناسک و توصیه‌هایی تبدیل شده‌اند که توسط قانون‌گذاران پیگیری می‌شوند»، بلکه حق طردشدگان و گروه‌های خاص اجتماعی است. *لوفور* بی‌توجهی به حق به شهر را در تولید فضا (۱۹۹۱ {۱۹۷۳}) گستراند [Gholipour *et al.*, 2019; Lefebvre, 1968; Lefebvre, 1976; Lefebvre, 1991]. *پورسل* به وسیله تقسیم حق به شهر به دو حوزه مهم، نقش مهمی در ارتقای آن داشته است؛ حق تخصیص و حق مشارکت. حق مشارکت بر این نکته تاکید دارد که شهروندان باید نقش مهمی در تمام تصمیماتی داشته باشند که در آفرینش و تحولات فضای آنها تاثیر می‌گذارد [Tamjidi *et al.*, 2022; Purcell, 2002]. *لوفور* با مطرح‌ساختن کالایی‌شدن فضا در شهر، آسیب‌های زندگی شهری را برآمده از نظامات حاکم بر آن می‌داند [Lefebvre,1991]؛ از این رو، وی با هدف پیگیری عدالت، دموکراسی و حقوق برابر شهروندی، به معرفی «حق به شهر» پرداخت. هاروی در راستای دیدگاه لوفور، چهار حق فضایی برای ساکنان شهر قایل است: ۱- حق مشارکت منصفانه در فرآیند تولید فضاهای شهری؛ ۲- حق برخورداری از مزایایی که شهر فراهم می‌کند؛ ۳- حق اجتناب از افتراق فضایی؛ و ۴- حق دسترسی به خدمات عمومی پایه [Faraji *et al.*, 2023]. او شهر را تجلی جغرافیایی و اجتماعی تمرکز تولید افزوده می‌داند [Harvey, 2008]. «شهری‌شدن همیشه سامانی طبقاتی داشته که محصول زهکشی ارزش از جایی یا کسی به جای دیگر و دستان افراد محدودی است». از این نظر، اهمیت قطبی‌شدن فضای شهری به نفع عده‌ای محدود آشکار می‌شود و حق بر شهر تحلیل همین فرآیند و مقابله با آن است [Farhadi *et al.*, 2023]. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد؛ چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه [Purcel, 2002]. طبق استدلال *سوجا* در یک شهر حق مدنی برای همه محفوظ است و آزادی، اختیار، دموکراسی برای همه مورد احترام است. از منظر *سوجا*

جست‌وجوی عدالت فضایی به معنای تلاش جمعی برای بازپس‌گیری حقوق تمام کسانی است که در اثر بی‌عدالتی و نابرابری متحمل رنج شده‌اند [Marsousi *et al.*, 2023; Soja, 2010]. امروزه، به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است [Meriläinen *et al.*, 2020].

پژوهش حاضر در شهر یزد صورت گرفته است. ورود مدرنیته به ایران، ساختار فضایی شهرهای ایران از جمله شهر یزد را دستخوش تغییر کرد. شهر یزد در سال‌های اخیر رشد شتابان و لجام‌گسیخته‌ای داشته عوامل مختلفی مانند مهاجرت گسترده روستا به شهر در دهه ٤٠ تاکنون و غیره در گسترش فیزیکی شهر یزد نقش داشتند. جمعیت ٦٣٥٠٢ نفر یزد در سال ١٣٣٥ به ٥١٥٦٥٩ نفر در سال ١٣٩٥ رسیده است و به علت داشتن رشد طبیعی جمعیت، مهاجرپذیری، گسترش خدمات، داشتن هویت سیاسی و اداری به این شهر به عنوان مرکز استان، واگذاری زمین توسط ارگان‌های مختلف دولتی در شهر، برنامه‌های عمرانی کشور، تغییرات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کشور و در نهایت محیط طبیعی مساعد تحولات جمعیتی و کالبدی زیادی به خود دیده است. در شهر یزد برخی مناطق شهر در محاصره سرمایه است. نامکان‌ها شهر را درنوردیده‌اند و فضاهای عمومی را تقلیل داده و محلات حاشیه‌نشین در جای‌جای آن رشد کرده است. از این رو، شکاف و نابرابری فضایی به‌شدت نمایان شده است و قطب‌بندی جامعه روز به روز ببیشتر می‌شود. با وجود چنین مسایلی، ضرورت توجه به مفهوم حق به شهر در شهر یزد احساس می‌شود. لذا پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری یزد، انجام شد.

روش‌شناسی

این پژوهش کاربردی با رویکردی کمّی در سال ١٤٠٣ در شهر یزد صورت گرفته شد (شکل ١).

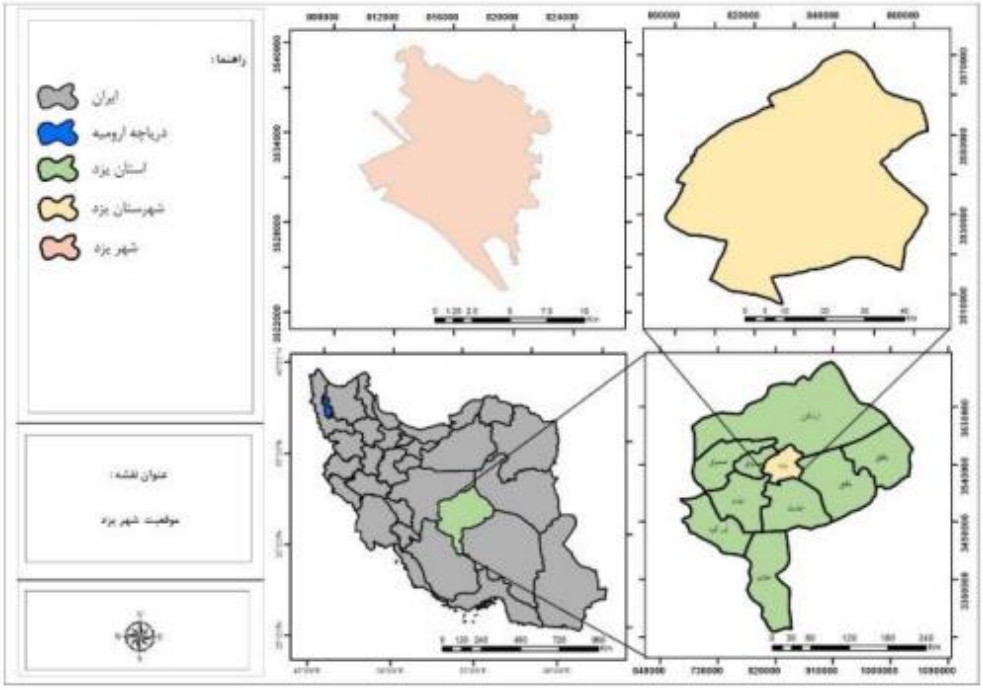

شکل ١) نقشه موقعیت مورد مطالعه

این پژوهش از نظر هدف توصیفی و از نظر نتایج کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به دو شیوه اسنادی و میدانی (پرسش‌نامه) گردآوری شده است. ابزار پژوهش پرسش‌نامه بود که در آن شاخص‌ها با استفاده از مقالات مرتبط با پژوهش و منطبق با منطقه مورد مطالعه در قالب سوالات تدوین و در قالب پرسش‌نامه منعکس شد [Lopez Cifuentes & Sonnino, 2024; Gholami *et al.*, 2024; Marsousi *et al.*, 2023; Samadi *et al.*, 2023; Habibi & Amiri, 2016]. ابعاد در شاخص‌های اختصاص‌دهی شهر به خود (سهم فیزیکی، کنترل و مالکیت)، سرزندگی فضای شهری (تفریح، امنیت، ارتباطات شهری)، مشارکت (سازمان‌دهی شهری، تصمیم‌گیری) طبقه‌بندی شد که هر یک دربرگیرنده گویه‌های متعددی بودند (جدول ١). همچنین قابل ذکر است روایی صوری پرسش‌نامه توسط متخصصان تایید شد و به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ٠/٧٦ به‌دست آمد. نتایج آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه‌ها نشان‌دهنده پایایی قابل قبول بود. جامعه آماری شامل شهروندان شهر یزد به تعداد ٥١٥٦٥٩ نفر بود. تعداد نمونه، بر اساس فرمول کوکران ٣٢٥ نمونه برآورد شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ٢٦ و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار آموس (AMOS) ورژن ٢٦، استفاده شد.

جدول ۱) ابعاد و شاخص‌های مورد بررسی

ابعاد		حقوق شهروندان
حق به شهر		مقابله با ضایع‌شدن حقوق شهروندان توزیع عادلانه امکانات بین مناطق توسط مسئولان میزان و نوع خدمت کارمندان ادارات به ارباب رجوع در مناطق مختلف رضایت از عملکرد مدیران تاثیر رسانه‌های جمعی بر مسئولان شهری میزان مشارکت در انتخابات شهری به منظور تغییرات در مدیریت شهری میزان احساس امنیت از سوی دوربین‌های کنترل و نظارت شهر محدودیت رفت و آمد با دوستان و همکاران در مناطق مختلف شهری
اختصاص‌دهی شهر به خود	سهم فیزیکی	طراحی فضاهای فرهنگی و تفریحی با توجه به سن طراحی فضاهای عمومی منطقه برای گروهای مختلف جنسیتی راحتی استفاده از فضاها تاثیر ساخت و سازها و تغییراتی کالبدی منطقه بر افراد
	کنترل و مالکیت	مالکیت یا اجاره مسکن و تاثیر آن کنترلی بر ساخت و سازها و تصمیمات مربوط به فضای شهری
سرزندگی فضای شهری	تفریح	توزیع عادلانه فضاهای تفریح و سرگرمی در این منطقه میزان شادی‌بخش و مفرح‌بودن منطقه میزان دسترسی تفریحات شهری برای گروهای سنی میزان دسترسی تفریحات شهری برای گروهای جنسی
	امنیت	میزان امنیت پارک‌ها و فضاهای عمومی میزان احساس امنیت (اعتماد) در سطح خیابان‌ها و کوچه‌های منطقه احساس امنیت جسمی (ضرب و شتم، آسیب بدنی و غیره) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری احساس امنیت روانی (ترس، دلهره، وحشت و غیره) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری احساس امنیت مالی (کلاهبرداری، سرقت مالی و غیره) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری میزان احساس ترس در ساعات مختلف روز در سطح منطقه
	ارتباطات شهری	میزان راحتی در دسترسی به فضاهای بیرون از خانه میزان دسترسی به امکانات در مسافرت‌های درون شهری میزان کیفیت حمل و نقل عمومی در منطقه میزان دسترسی به وسایل نقلیه شهری
مشارکت	سازمان‌دهی شهری	طراحی مناسب سواره‌ها و پیاده‌ها طراحی فضاهای عمومی شهر با توجه به نیاز شهروندان دخالت مردم در طراحی فضای زندگی‌شان رسیدگی مسئولان به خیابان‌ها و از پیاده‌روها
	تصمیم‌گیری	میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری میزان تصمیم‌گیری‌های عمومی شهری با مشارکت شهروندان حضور نمایندگانی از اقشار مختلف شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری

برای بررسی میزان تاثیر مولفه‌های حق به شهر در تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد و ارایه مدل نهایی از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS ۲۶ استفاده شد. برای تعیین اینکه کدام یک از شاخص‌های برازندگی برآورد بهتری از مدل فراهم کند، توافق عمومی و کلی میان متخصصین معادلات ساختاری وجود نداشت؛ از این رو پیشنهاد شد ترکیبی از ۵ شاخص گزارش شود. در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی نیکویی برازش مدل از شاخص‌های مطلق (برازندگی مدل) کای اسکوئر، درجه آزادی، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی و شاخص‌های نسبی ریشه خطای میانگین مجذورات برآورد، شاخص نیکویی برازش و شاخص ایجاز استفاده شود.

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات پرسش‌شوندگان (شامل ترکیب جنسیتی، میانگین سنی، تحصیلات و شغل) ۲۸٪ جمعیت پرسش‌شوندگان زن و مابقی مرد بودند. از این میان حدود ۷۳٪ در رده سنی ۳۵ تا ۵۰ سال و نزدیک به ۴۲٪ تحصیلات لیسانس داشتند (جدول ۲).

جدول ۲) خلاصه اطلاعات پرسش‌شوندگان

پارامتر		فراوانی (درصد)
جنسیت	زن	۹۱ (۲۸/۰۰)
	مرد	۲۳۴ (۷۲/۰۰)
سن	۲۰-۳۵	۱۰۴ (۳۲/۰۰)
	۳۵-۵۰	۱۴۲ (۷۳/۷۰)
	۵۰ سال به بالا	۷۹ (۲۴/۳۰)
تحصیلات	زیر دیپلم و بی‌سواد	۴۱ (۱۲/۶۲)
	فوق دیپلم	۹۲ (۲۸/۳۰)
	لیسانس	۱۳۶ (۴۱/۸۴)
	فوق لیسانس و بالاتر	۵۶ (۱۷/۲۳)
فعالیت شغلی	کارمند	۶۹ (۲۱/۲۳)
	دانشجو	۹۵ (۲۹/۲۴)
	آزاد	۷۱ (۲۱/۸۵)
	بیکار	۴۰ (۱۲/۳۰)
	بازنشسته	۵۰ (۱۵/۳۸)

بررسی وضعیت حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در شهر یزد

وضعیت مولفه‌های حق به شهر بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در سطح متوسط یا نرمال بیانگر وضعیت نامطلوب و پایین‌تر از سطح نرمال مولفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) بود. میزان آماره t برای بُعد کنترل و مالکیت برابر ۷/۱۵، برای بُعد سرزندگی فضای شهری برابر ۷- و برای بُعد مشارکت برابر ۶/۶۷- در سطح معناداری p≤۰/۰۱ به‌دست آمد که منفی‌بودن آماره t در این زمینه بیانگر این است که میانگین شاخص‌های ذکرشده پایین‌تر از سطح میانگین متوسط یا نرمال قرار داشت. بنابراین با توجه به نتایج، وضعیت ابعاد حق به شهر در شهر یزد در وضعیت نامطلوبی قرار داشت (جدول‌های ۳ و ۴).

جدول ۳) آماره‌های توصیفی در خصوص ابعاد و مولفه‌های حق به شهر در شهر یزد

ابعاد	شاخص	میانگین	انحراف‌معیار	خطای انحراف‌معیار
حق به شهر	حق به شهر	-۲/۵٦	-۱/۱۲	۰/۰٦
اختصاص‌دهی شهر به خود	سهم فیزیکی	-۲/٦۲	-۱/۲٤	۰/۰۷
	کنترل و مالکیت	-۲/٤۸	-۱/۳۱	۰/۰۷
سرزندگی فضای شهری	تفریح	-۲/۵۹	-۱/۲۷	۰/۰۷
	امنیت	-۲/٤۹	-۱/۲۸	۰/۰۷
	ارتباطات شهری	-۲/٤۷	-۱/۲۸	۰/۰۷
مشارکت	سازمان‌دهی شهری	-۲/۵۰	-۱/۲۲	۰/۰۷
	تصمیم‌گیری	-۲/۵۸	-۱/۳۲	۰/۰۷

جدول ۴) بررسی وضعیت ابعاد و مولفه‌های حق به شهر در شهر یزد در سطح آزمون ۳ (p=۰/۰۰۰۱)

ابعاد	شاخص	اختلاف میانگین	آماره t	فاصله اطمینان ۹۵٪		وضعیت
				کران پایین	کران بالا	
حق به شهر	حق به شهر	-۰/٤٤	-۷/۰۸	-۰/۵٦	-۰/۳۲	نامطلوب
اختصاص‌دهی شهر به خود	سهم فیزیکی	-۰/۳۸	-۵/۵۲	-۰/۵۲	-۰/۲٤	نامطلوب
	کنترل و مالکیت	-۰/۵۲	-۷/۱۵	-۰/٦٦	-۰/۳۸	نامطلوب
سرزندگی فضای شهری	تفریح	-۰/٤۱	-۵/۸۹	-۰/۵۵	-۰/۲۸	نامطلوب
	امنیت	-۰/۵۱	-۷/۱۳	-۰/٦۵	-۰/۳۷	نامطلوب
	ارتباطات شهری	-۰/۵۳	-۷/۵۰	-۰/٦۷	-۰/۳۹	نامطلوب
مشارکت	سازمان‌دهی شهری	-۰/۵۰	-۷/۳٤	-۰/٦۳	-۰/۳٦	نامطلوب
	تصمیم‌گیری	-۰/٤۲	-۵/۷۱	-۰/۵٦	-۰/۲۷	نامطلوب

جدول ۵) شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

نوع شاخص	معیار برازش مدل	محدوده قابل قبول	مقدار به‌دست‌آمده
مطلق (برازندگی مدل)	کای اسکوئر	-	۶۳۴/۲۱
	درجه آزادی	-	۲۵
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	بین ۱ تا ۳	۲/۰۸
نسبی	ریشه خطای میانگین مجذورات	>۰/۱	۰/۰۴۸
	شاخص نیکویی برازش	≤۰/۹۰	۰/۹۰۸
	شاخص ایجاز	≤۰/۹۰	۰/۹۶۵

بررسی میزان تاثیر مولفه‌های حق به شهر در تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد

با توجه به تعداد نمونه مورد مطالعه می‌توان بیان کرد که همه شاخص‌های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار داشته و دارای برازش خوبی بود و شاخص RMSEA، که مهم‌ترین شاخص در این زمینه هست برابر ۰/۰٤۸ به‌دست آمد که در محدوده (۰/۰٤۵≤۰/۰٤۸≤۰/۰۵۱) کمترین و بیشترین فاصله اطمینان برای معناداری مدل، قرار داشت و بیانگر سطح مطلوب آن بود. در خصوص شاخص‌های نهایی به‌دست‌آمده در مدل نهایی برای رسیدن به برازش مطلوب، از استراتژی‌های پیرایشی استفاده شد. یعنی مسیرهای اثرگذار پیشنهادی بر اساس ماتریس کوواریانسی ترسیم شد (جدول ۵). مدل نهایی پژوهش در معادلات ساختاری در راستای شناسایی مولفه‌های اثرگذار بر تحقق رویکرد حق به شهر بود که به بررسی و سنجش میزان اثر مولفه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر (روش بوت استرپ) پرداخت (شکل ۲). بر اساس نتایج به‌دست‌آمده مشخص شد که مولفه مشارکت دارای بیشترین نقش و اثر معنادار مستقیم بر تحقق رویکرد حق به شهر بود. در این خصوص میزان اثر مستقیم یا ضریب استانداردشده مولفه مذبور برابر ۰/۴ در سطح اطمینان یا معناداری p≤۰/۰۱ به‌دست آمد. در این خصوص گویه‌های شاخص تصمیم‌گیری دارای اثرگذاری بیشتر بود که می‌توان به مفاهیمی همچون میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی شهر و وجود نمایندگان از اقشار گوناگون در تصمیم‌گیری‌ها اشاره نمود که دارای نقش فزاینده‌ای در تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد بود دومین مولفه اثرگذار در این زمینه از نظر اثر مستقیم، مولفه سرزندگی فضای شهری بود. در این رابطه میزان اثر استانداردشده برابر ۰/۲ در سطح اطمینان یا معناداری p≤۰/۰۱ به‌دست آمد که مهم‌ترین نماگرها در این زمینه به‌ترتیب امنیت، ارتباطات و تفریح بود. سومین شاخص اثرگذار در ارتباط با تحقق رویکرد حق به شهر، مولفه اختصاص‌دهی شهر به خود بود. در این رابطه میزان بار عاملی یا ضریب رگرسیونی استانداردشده برابر ۰/۱٦ در سطح اطمینان یا معناداری p≤۰/۰۵ به‌دست آمد که از مهم‌ترین نماگرها در این زمینه به‌ترتیب اولویت، می‌توان به سهم فیزیکی و کنترل و مالکیت اشاره کرد.

نتایج به‌دست‌آمده از مدل ساختاری و سطح‌بندی میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل مولفه‌های پژوهش در تحقق رویکرد حق به شهر، نشان داد اثرات کل به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۳ و معنادار در سطح ضعیف، بالاتر از ۰/۳ در سطح قابل قبول، بالاتر از ۰/۴ در سطح متوسط، بیشتر از ۰/۵ در سطح خیلی قوی قرار داشت. با توجه به این تفاسیر و نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر مولفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر بود. پس از آن، مولفه سرزندگی فضای شهری رتبه بعد را به خود اختصاص داد.

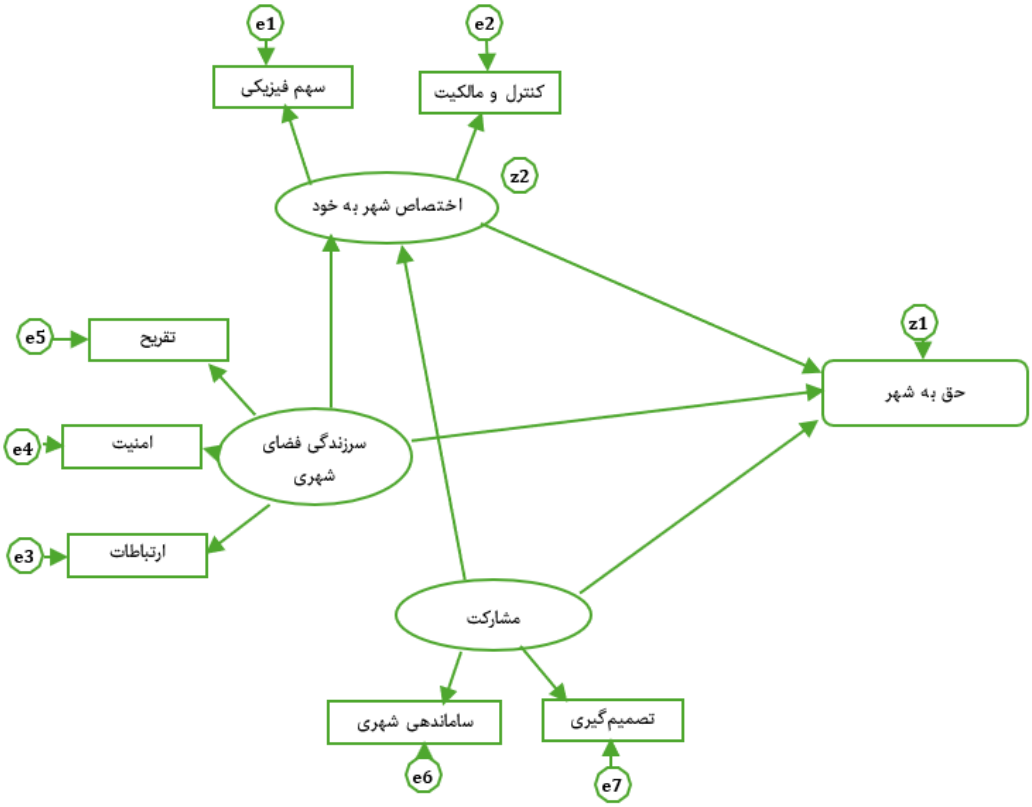

شکل ۲) مدل نهایی مولفه‌های اثرگذار بر تحقق حق به شهر در شهر یزد

بحث

پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی رویکرد «حق به شهر» در فضای شهری یزد انجام شد. در دهه‌های اخیر، همزمان با تحلیل‌رفتن کارآیی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران‌های مختلف شهری ظهور کرده‌اند و مطالبات شهروندان نیز افزایش یافته است، که یکی از اساسی‌ترین این مطالبات، تحقق مفهوم «حق به شهر» است. این مفهوم، چارچوبی مفهومی و ابزاری مناسب برای نقد وضع موجود شهرها فراهم آورد و شهر را نه‌تنها از دیدگاهی انتقادی، بلکه از چشم‌انداز آینده‌نگرانه‌ای بررسی کرد.

در این پژوهش، خاستگاه فلسفی این مفهوم از دیدگاه واضع آن یعنی دیدگاه *هانری لوفور* تحلیل و بررسی شده است. *لوفور* معتقد است که در جوامع سرمایه‌داری معاصر، انباشت سرمایه نه‌تنها از طریق تولید صنعتی بلکه از طریق فرآیند شهری‌شدن صورت می‌گیرد. او این‌گونه مطرح می‌کند که کنترل و نظارت بر شهر از دست شهروندان خارج شده و منافعی که از شهری‌شدن سرمایه حاصل شود، در نهایت به نفع سرمایه‌داران دولتی یا خصوصی مصادره گردید. این امر موجب شد که فضای شهری به جای اینکه به محلی برای زندگی و تعاملات انسانی تبدیل شود، به ابزاری برای انباشت سرمایه بدل شود. در این بستر، حق به شهر به عنوان یک حق اجتماعی و مدنی در صدد بازپس‌گیری کنترل، نظارت، و بهره‌گیری از منافع شهری‌شدن است که به جای سرمایه‌داران، به شهروندان بازگردانده شود [Lefebvre, 1968].

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مولفه‌های حق به شهر (شامل کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری، و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوبی قرار داشت. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر مولفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر بود. پس از آن، مولفه سرزندگی فضای شهری، رتبه بعد را به خود اختصاص داد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های حق به شهر، مشارکت شهروندان بود که در یزد تنها با حق دسترسی به مسکن و فضاهای عمومی شهری محقق شد. این حق، مستلزم نقش فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌هایی است که به خلق یا تغییر فضای شهری می‌انجامد. از طریق این حق است که شهروندان، که تصمیمات شهری بیشترین تاثیر را بر کیفیت زندگی آنها دارد، باید نقش کلیدی در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری ایفا کنند. از این رو، حضور نمایندگانی از اقشار مختلف شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری در سطوح مختلف باید مورد توجه قرار گیرد. تاکید بر مشارکت شهروندی با یافته‌های سایر پژوهش‌ها نیز هماهنگی دارد؛ پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که مشارکت موثر شهروندان نه‌تنها بهبود حاکمیت شهری، بلکه نتایج بهتری در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری به دنبال دارد. مشارکت فعال، حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را در میان ساکنان تقویت و در نهایت به تحقق اهداف بلندمدت شهری و بهبود کیفیت زندگی شهری منجر شد [Li *et al.*, 2020].

در پژوهش دیگری نیز که به نقش ساز و کارهای مشارکتی در کاهش فاصله میان شهروندان و برنامه‌ریزان می‌پردازند، اهمیت مشارکت

شهروندی در بهبود کیفیت زندگی شهری مورد تایید قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که مکانیزم‌های مشارکتی قادر به پرکردن شکاف‌ها میان سیاست‌گذاران و شهروندان است و به این ترتیب کیفیت کلی زندگی شهری و رضایت عمومی را افزایش می‌دهد [Mouratidis & Poortinga, 2020].

در نهایت، می‌توان گفت که رویکرد حق به شهر به عنوان یک مفهوم نوین و کارآمد در برنامه‌ریزی شهری، بر سه محور اساسی یعنی مشارکت شهروندی، سرزندگی فضا، و کنترل بر فضای شهری تاکید می‌کند و می‌تواند بستری برای خلق شهرهایی عادلانه‌تر، پایدارتر و قابل‌زیست‌تر باشد. رویکردی که به‌وضوح نیازمند توجه بیشتر و پیگیری اصولی در برنامه‌ریزی شهری کشورهایی نظیر ایران است تا بتواند به خواسته‌ها و نیازهای واقعی شهروندان پاسخ دهد و فضای شهری را از چنگال سرمایه‌داران خصوصی و دولتی رها سازد و به دست شهروندان بسپارد.

در این پژوهش، یکی دیگر از اصول حق به شهر، سرزندگی فضای شهری است. سرزندگی شهری مفهومی است که به معنای ایجاد فضایی پرانرژی و پویا برای شهروندان به کار می‌رود، فضایی که بستر مناسبی برای تامین امنیت، ارتباطات، و فرصت‌های تفریحی فراهم می‌آورد. این فضاها، که به واسطه طراحی مناسب و زیرساخت‌های بهینه ایجاد می‌شوند، تاثیر زیادی بر کیفیت زندگی شهروندان دارند. اهمیت این شاخص در ایجاد فرصت‌های متنوع و تجربه‌های جدید برای همه اقشار جامعه است؛ بدین معنا که فضاهای سرزنده شهری باید توانایی جذب افراد با پیشینه‌ها و علایق متفاوت را برای فعالیت‌های مختلف داشته باشند و این امکان را به وجود آورند که افراد در هر ساعتی از شبانه‌روز از آنها استفاده کنند [Liu *et al.*, 2020].

سرزندگی شهری، به عنوان یکی از عناصر مهم حق به شهر، نه‌تنها افراد را به حضور در فضاهای عمومی شهری ترغیب می‌کند، بلکه موجب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بیشتر و احساس تعلق به فضا نیز می‌شود. مناطقی از شهر که از سرزندگی بیشتری برخوردارند، تمایل دارند به عنوان مکان‌هایی محبوب برای گذراندن اوقات فراغت، قدم‌زدن و معاشرت در نظر گرفته شوند. این مناطق با جذابیت خود، افراد را به طور خودجوش به خود جذب می‌کنند و فضایی فراهم می‌کنند که مردم در آنجا احساس راحتی و تعلق می‌کنند. این امر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز بسیار حایز اهمیت است، زیرا فضاهای زنده و پویا منجر به ایجاد اقتصاد محلی قوی و افزایش تعاملات بین ساکنان می‌شوند.

پویایی شهری، همان طور که برخی چارچوب‌ها به تحلیل جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن پرداخته‌اند، اهمیت ویژه‌ای در زندگی شهری دارد. به عنوان مثال، پژوهشی که به بررسی سرزندگی شهری از طریق داده‌های چندمنبعی پرداخته، به این نتیجه رسیده است که فضاهای شهری پویا با فعالیت‌ها و تعاملات انسانی و تنوع کارکردها شناخته می‌شوند. این یافته‌ها همسو با نتایج این پژوهش است و تاکید دارد که سرزندگی و پویایی شهری بدون مشارکت قوی و موثر شهروندان امکان‌پذیر نیست؛ به عبارت دیگر، سرزندگی واقعی فضای شهری به حضور شهروندان و نقش فعال آنان وابسته است. علاوه بر سرزندگی، مساله کنترل و مالکیت بر فضاهای شهری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. وضعیت نامطلوب کنترل و مالکیت در فضای شهری، بازتاب‌دهنده روندهای گسترده‌تری در شهرسازی است. در بسیاری از موارد، شهروندان به دلیل عدم دسترسی به ابزارها و اختیارات لازم برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، احساس تعلق و مسئولیت نسبت به فضاهای شهری ندارند. مطالعات نشان می‌دهند که بدون ایجاد امکان کنترل و مشارکت کافی بر منابع و فضاهای شهری، مشارکت موثر شهروندان کاهش یافته و به دنبال آن سرزندگی فضا نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به همین دلیل، سیاست‌گذاری‌ها باید به سمت تقویت حق به مالکیت، مشارکت و کنترل شهروندان بر شهر باشد تا انگیزه‌ها برای مشارکت افزایش یابد و بدین وسیله بر پویایی فضای شهری نیز افزوده شود [De Koe, 2013].

اختصاص‌دهی شهر به خود، یعنی اینکه شهروندان بتوانند شهر را به مثابه فضایی که متعلق به آنها است تلقی کنند، مستلزم ایجاد بسترهایی است که به تحقق حق به شهر کمک کند. در یزد، بررسی الگوی زندگی و ارایه خدمات و امکانات نشان می‌دهد که شهروندان به میزان کافی به اهداف اولیه طرح‌های شهری دست نیافته‌اند و همچنان با مشکلاتی مانند ضعف زیرساخت‌ها و کمبود امکانات مواجه هستند. این کمبودها سبب شده که شهر به مثابه فضایی که بتواند نیازهای اساسی شهروندان را برآورده سازد، جلوه نکند و دسترسی به فضاهای شهری و امکانات عمومی محدود باشد.

در این راستا، مدیریت شهری، مقامات محلی، شورای اسلامی شهر و شهرداری به عنوان نهادهای محوری، نقش بسزایی در ارتقا و تحقق حق به شهر دارند. برای رسیدن به شهری که حق شهروندی در آن به رسمیت شناخته شود، لازم است که آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیت‌های شهری خود ارتقا یابد. این آگاهی، اساس برنامه‌ریزی‌های آتی در زمینه توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، چرا که از طریق آگاهی شهروندان است که می‌توان به برنامه‌ریزی‌های موفق و کارآمد در سطح شهری دست یافت.

در نهایت، نتایج این پژوهش با یافته‌های سایر مطالعات در حوزه حق به شهر همخوانی دارد [Javaheripour, 2015; Gholipour *et al.*, 2019; Marsousi *et al.*, 2023; Sultan Maleki *et al.*, 2024] و بر ضرورت توجه به برخی سیاست‌ها و راهکارها در جهت تقویت این حق تاکید دارد:

۱. ارتقا شفافیت، عدالت و بهره‌وری در تمام سطوح مدیریت شهری

۲. به رسمیت شناختن تنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر. این تنوع‌ها بخش مهمی از هویت شهری را تشکیل می‌دهند و با توجه به آنها می‌توان فضایی فراهم کرد که پذیرای همه اقشار جامعه باشد و حق همه در استفاده از امکانات شهری محترم شمرده شود

۳. تشویق به گفت‌وگو و توانمندسازی شهروندان از طریق روش‌های مشارکتی. با استفاده از این روش‌ها، شهروندان فرصت پیدا می‌کنند

که نیازها و مطالبات خود را به گوش مدیران برسانند و توزیع عادلانه منابع در سطح شهر صورت گیرد، که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می‌کند

این سیاست‌ها نه‌تنها به بهبود سرزندگی فضای شهری و افزایش کیفیت زندگی کمک می‌کنند، بلکه احساس مالکیت، مسئولیت‌پذیری و تعلق به شهر را در میان شهروندان تقویت می‌کنند و شهری متعادل‌تر، فراگیرتر و پایدارتر را ایجاد می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

مولفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در یزد در وضعیت نامطلوب قرار دارد، لذا امکان استفاده برابر از ظرفیت‌های شهر برای همه ساکنان باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان است.

سهم نویسندگان: بهروز عامریان (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (٤٠٪)، معصومه حافظ رضازاده (نویسنده دوم)، روش‌شناس (٣٠٪)، غلامرضا میری (نویسنده سوم)، روش‌شناس (٣٠٪)

منابع مالی: این پژوهش با هزینه شخصی نویسندگان انجام شده است.

منابع

- Arami HR (2021). Typology of urban space and related rights from the perspective of Islamic jurisprudence and rights. Journal of Researches in Islamic Architecture. 9(1):1-16. [Persian]
- Brenner N, Marcuse P, Mayer M (2012). Cities for people not for profit: Critical urban theory and the right to the city. London: Routledge.
- De Koe DM (2013). Urban vitality through a mix of land-uses and functions: An addition to citymaker [dissertation]. Wageningen: Wageningen University and Research Centre.
- Faraji SJ, Taqipour Akhtari A, Alipour Tabrizi A (2023). "Justice" as the ultimate cause; To describe the normative dimension of justice discourse in the city. Quarterly Journal of Social Development. 17(3):111-148. [Persian]
- Farhadi M, Shahbazyan A, Lotfallahzade T (2023). Children's right to the city (comparison in two privileged and impoverished regions of Kermanshah city). Social Studies and Research in Iran. 12(3):447-462. [Persian]
- Gholami M, Saberi H, Toghyani S, Shams M (2024). An investigation into desirable urban spaces and its role on realization of the theory of the right to the city in Ahvaz Metropolis. Geographical Research. 39(2):129-138. [Persian]
- Gholipour S, Mnasouri O, Rezaei N (2019). The rights of the elderly to the city in Kermanshah. Journal of Social Work Research. 4(14):1-35. [Persian]
- Habibi M, Amiri M (2016). Right to the city from current to ideal city. Iranian Journal of Anthropological Research. 5(2):9-30. [Persian]
- Habibnezhad SA, Khosravi A (2022). The right to the city and the possibility of its recognition in the Iranian legal system. Public Law Studies Quarterly. 52(1):163-183. [Persian]
- Harvey D (2008). The right to the city. New Left Review. 53:23-40.
- Hosseini A, Fanni Z, Momeni A (2022). Comparative analysis of urban vitality in old and new neighborhoods with the approach of the right to the city: The case study of neighborhoods in Yazd city. Geographical Urban Planning Research. 10(2):29-51. [Persian]
- Javaheripour M (2015). Urban slums and right to the city a case study of Khak-e Sefid neighborhood in Tehran. Iranian Journal of Anthropological Research. 5(2):163-182. [Persian]
- Kazemi K, Tofangchi Mahyari M (2017). Globalization and its impact on the right to the city. Urban Management. 16(46):61-70. [Persian]
- Lefebvre H (1968). The right to the city. In: Kofman E, Lebas E (editors). Writings on cities. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre H (1976). The survival of capitalism: Reproduction of the relations of production. Bryant F, translator. New York: St Martin's Press.
- Lefebvre H (1991). The production of space. Nicholson-Smith D, translator. Hoboken: Wiley-Blackwell.
- Li W, Feng T, Timmermans HJ, Li Z, Zhang M, Li B (2020). Analysis of citizens' motivation and participation intention in urban planning. Cities. 106:102921.
- Liu S, Zhang L, Long Y, Long Y, Xu M (2020). A new urban vitality analysis and evaluation framework based on human activity modeling using multi-source big data. ISPRS International Journal of Geo-Information. 9(11):617.
- Lopez Cifuentes M, Sonnino R (2024). Food democracy and the right to the city: Re-assembling urban food environments in East-Central London. Cities. 153:105319.
- Marsousi N, Aliakbari E, Safahen A, Boostan ahmadi V (2023). Study and analysis of the components of a just city and its relationship with the right to the city in the metropolis of Tehran. Geographical Engineering of Territory. 7(1):17-34. [Persian]
- Marcuse P (2009). Postscript: Beyond the just city to the right to the city. In: Marcuse P, Connolly J, Novy I, Olivo I, Potter C, Steil J, editors. Searching for the Just City. New York: Routledge.
- Meriläinen E, Fougère M, Wojciech P (2020). Refocusing urban disaster governance on marginalised urban people through right to the city. Environmental Hazards. 19(2):187-208.
- Mouratidis K, Poortinga W (2020). Built environment, urban vitality and social cohesion: Do vibrant neighborhoods foster strong communities?. Landscape and Urban Planning. 204:103951.
- Mullick M, Patnaik A (2022). Pandemic management, citizens and the Indian smart cities: Reflections from the right to the smart city and the digital divide. City, Culture and Society. 30:100474.
- Purcell M (2002). Excavating lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant. Geo Journal. 58(2):99-108.
- Rahimi H (2022). Lefebvre or derrida: Deconstructive questioning the concept of the right to the city. Wisdom and Philosophy. 17(68):63-99. [Persian]
- Rashdi M, Saremi H, Shieh I (2024). Investigating the legal status of the right to the city in the resolutions of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture of

- Sugranyes A, Mathivet C, editors (2010). Cities for all: Proposals and experiences towards the right to the city. Cape Town: Habitat International Coalition (HIC).
- Soja EW (2010). Seeking spatial justice. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Sultan Maleki R, Elahi M, Dauvdpour Z (2024). Spatial analysis of the realization of the idea of the right to the city in small cities in the case study of Western cities of Mazandaran province. Sustainable City. 7(1):79-96. [Persian]
- Tamjidi Z, Zarabadi ZSS, Habib F (2022). Analysis of the components of improving the quality of urban spaces for children with a right to the city approach (Case study: District 12 of Tehran metropolis). Human Geography Research. 54(4):1491-1509. [Persian]
- Wang S, Esther HKY, Yu Y, Tsou JY (2022). Right to the city and community facility planning for elderly: The case of urban renewal district in Hong Kong. Land Use Policy. 114:105978.
Iran with an emphasis on the methodology of urban development plans. Urban Economics and Planning. 4(4):132-147. [Persian]
- Safari K (2024). The mechanism of the market and power over the city: Subjugation through the expropriation of citizens. Sociological Review. 30(2):165-184. [Persian]
- Salami Sh, Mazhari M (2022). The right to health of disabled people in the field of urban law (with a glance at the ordinances passed by Tehran city council). Journal of Research and Development in Comparative Law. 5(15):110-132. [Persian]
- Samadi A, Ahmadi Gh, Saket Hasanlouei M (2023). Rethinking the concept of “the right to the city" and its relationship with justice-oriented urban planning Case study: A comparative analysis of the Haftasiyab and Shishegarkhaneh neighborhoods of Urmia city. Journal of Studies of Human Settlements Planning. 18(2):15-27. [Persian]